

بررسی وجوه اشتراک مبانی فکری، اهداف و اقدامات

تروریستی رژیم صهیونیستی و داعش

دکتر ابراهیم متقی^۱، سلمان رضوی^۲، دکتر طاهره گودرزی^۳

چکیده

مطالعه کانون‌های بحرانی بیانگر آن است که بسیاری از آنها، هدفمندانه ایجاد شده‌اند. از مصادیق عینی این کانون‌ها، رژیم صهیونیستی است. جنایات این رژیم تنها در قبال مسلمانان فلسطین نبوده بلکه پیروان تمام ادیان را نشانه گرفته و ادعای دینی آنان فقط یک بهانه و توجیه بوده است؛ اما جریان بیداری اسلامی از دسامبر سال ۲۰۱۰، صهیونیست‌ها را در ترس و انفعال عجیبی فرو برد. آنان برای مقابله با این وضعیت به کمک طراحان اروپایی و آمریکایی، درصدد تغییر جهت و محتوای انقلاب‌ها برآمده‌اند و تلاش کردند اختلافات شیعی- سنی را پر رنگ نمایند و گروه‌های تروریستی همچون داعش تأسیس کنند. نکته جالب توجه، اشتراک در افکار، رفتارها، رویه‌ها و مبانی دینی- عقیدتی رژیم صهیونیستی و داعش است که اتفاقی بودن این اشتراکات را غیر منطقی می‌نمایاند. در این مقاله با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و گردآوری اطلاعات به شکل کتابخانه‌ای در پی شناخت اشتراکات داعش و رژیم صهیونیستی در مبانی فکری، اهداف و اقدامات تروریستی هستیم. سه سناریوی کشمکش، همکاری و تداوم اتحاد طبیعی برای این دو متغیر قابل اشاره است که با توجه به نشانه‌های موجود محتمل‌ترین سناریو، استمرار اتحاد طبیعی بین آنان است.

کلید واژها: اقدامات تروریستی، داعش، رژیم صهیونیستی، وجوه اشتراک، مبانی فکری

^۱. نویسنده مسئول: استاد روابط بین الملل دانشگاه تهران. ایران، تهران. Email:emottaghi@ut.ac.ir

^۲. دانش آموخته کارشناس ارشد رشته روابط بین‌الملل، ایران، تهران. Email:zahedresearcher@gmail.com

^۳. دانش آموخته دکترای رشته زبان و ادبیات عرب، ایران، تهران. Email:taherehgoodarzi@gmail.com

بیان مسئله

شرایط منحصر به فرد غرب آسیا در حوزه انرژی و نیز رشد و نمو اسلام به عنوان دینی با اندیشه‌ها و ارزش‌های ضد استبدادی و ضد استعماری، موجب شده است تا نظام سلطه طرح‌های ویژه‌ای را برای سلطه بر این منطقه طراحی و اجرا نماید. از اقدام نظامی مستقیم گرفته تا تجزیه کشورها و یا ایجاد جنگ‌های قومی و فرقه‌ای برای مشغول کردن منطقه به بحران‌های داخلی و عقب ماندن از پیشرفت و توسعه و نیز ترویج دموکراسی غربی برای تهی‌سازی ملت‌های منطقه از ارزش‌ها و الگوها و برنامه‌های اسلامی را به کار گرفته است. تأسیس رژیم صهیونیستی از مهم‌ترین کارکردهای غرب در این عرصه بوده است که در چند دهه اخیر نقش حافظ منافع نظام سلطه را در منطقه ایفا کرده است. از سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹)، یعنی از آغاز بیداری اسلامی در کشورهای عربی روند جدیدی در منطقه شکل گرفته و آن رشد و گسترش گروه‌های تکفیری و تروریستی با عناوین مختلف است. در این میان، نام داعش بیش از سایر گروه‌ها بر سر زبان‌ها آمده است. بسیاری از جریان‌های تکفیری - تروریستی با آن بیعت کرده و تحت امر آن قرار گرفته‌اند. روند رفتاری داعش در منطقه از جمله در عراق و سوریه نشانگر آن است که مأموریتی از پیش طراحی شده برای آن در نظر گرفته شده است که شباهت بسیاری به رفتارها و اقدامات صهیونیست‌ها دارد. مقابله با جبهه مقاومت، نابودسازی منابع منطقه، زمینه‌سازی برای حضور نظامی غرب در منطقه، ایجاد تفرقه و شکاف در جهان اسلام و بد نام کردن اسلام در صحنه جهانی و در نهایت ایجاد حاشیه امن برای رژیم صهیونیستی از کارکردهای اصلی داعش است که مشابه رفتارها، تحرکات و اهداف رژیم صهیونیستی است. لذا شناخت اشتراکات داعش و رژیم صهیونیستی در مبانی فکری، اهداف و اقدامات تروریستی، برای تبیین سناریوهای پیش روی این دو پدیده ضروری است.

مبانی نظری

در باب مبانی نظری مربوط به داعش و رژیم صهیونیستی با توجه به این که هر دوی آنها دارای بیشترین ابعاد ایدئولوژیک هستند، رفتارهای آنها بر اساس آن، قابل تعریف است. ایدئولوژی سیاسی نوعی تفکر سیاسی است که بر مبنای برخی اصول اولیه از پیش پذیرفته شده شکل می‌گیرد، اصولی که از نوعی جزمیت و قطعیت برخوردار بوده و از هر گونه انتقادی مصون است. این واژه در اصل واژه‌ای فرانسوی و به معنای، علم یا مطالعه ایده‌ها بوده و سپس معنای بین‌المللی و مهم‌تری پیدا کرده و در مقام دلالت بر مجموعه‌ای از باورها و رفتارها که با یکدیگر ارتباط دارند به کار رفته است (پلاسناتس، ۱۳۷۳، صص ۲-۱). معنای اصطلاحی خاص ایدئولوژی عبارت است از سیستم فکری که شکل و طرح کلی رفتار انسان را تعیین می‌کند و به عبارت دیگر ایدئولوژی یک سلسله آرای کلی هماهنگ درباره رفتارهای انسانی است (مصباح یزدی، ۱۳۶۱، ص ۳). واژه ایدئولوژی ترکیبی از «ایده» و «لوژی» است و در نخستین کاربرد به معنای دانش «ایده شناسی» یا «علم مطالعه ایده‌ها» بود. اصطلاح ایدئولوژی، نخستین بار در سال ۱۷۹۶ میلادی توسط دوستوت دوترسی^۱ استفاده شد. وی متعلق به کانون متفکران فرانسوی عصر روشنگری بود. این واژه در بستر دانش جدید و برای درک و بیان «ریشه اندیشه‌ها» وضع شده بود؛ اما مدلول آن به مجموعه اندیشه‌ها، ارزش‌ها و پندارهایی گفته می‌شد که به جامعه و تاریخ مربوط بوده و فرد یا گروه خاصی حامل آن هستند. ایدئولوژی نزد مارکسیست‌های اولیه، نخست به مفهوم آگاهی کاذب و مسخ شده طبقه‌ای خاص درباره مسائل اجتماعی بود ولی به مرور زمان بار معنایی منفی آن کم شد، سپس مفهوم جامعه‌شناختی و بی‌طرفانه‌ای یافت و به مجموعه اندیشه‌ها و پندارهایی گفته می‌شد که توده مردم درباره جامعه دارند (سیبلا، ۱۳۸۰، صص ۱۲۳-۱۲۲).

¹Destute De Tracy

نقاط اشتراک رژیم صهیونیستی و داعش

بررسی کارنامه رژیم صهیونیستی و داعش در ابعاد فکری، اهداف و رفتار، نشانگر نقاط اشتراک قابل توجهی میان آنان است که همین امر همگرایی آنان را آشکارتر می‌سازد. از آنجا که اقدامات داعش در نهایت به تحقق خواست صهیونیست‌ها در بحران‌سازی در منطقه و حفظ امنیت این رژیم منجر می‌شود، چنانچه ساخته صهیونیست‌ها تلقی نشود، باید دست کم یکی از اقسام و ابزارهای مهم صهیونیست‌ها در منطقه قلمداد گردد. در ادامه وجوه اشتراک این دو در سه حوزه مبانی فکری، اهداف و روش‌ها مورد پردازش قرار می‌گیرد.

مبانی فکری

الف- مهاجرت سیستماتیک: تأمل در اظهارات و نوشته‌های سران داعش و رژیم صهیونیستی حاکی از نقاط اشتراک فراوان در مبانی فکری آنان است. مهاجرت سیستماتیک، خود برترینی، تشکیل حکومت، تفرقه‌افکنی و در حاشیه قرار دادن مسئله فلسطین از جمله شباهت‌های کانون اندیشه‌های این دو تفکر است.

در ایدئولوژی داعش، بر اساس نقل‌قولی از خلیفه دوم، به ترتیب «خلافت، جماعت، امارت، اطاعت»، نقش اساسی را در تشکیل حکومت خود خوانده آنان ایفا می‌کند. به علاوه آنان بر اساس حدیثی نقل شده از پیامبر، جماعت، سمع، اطاعت، هجرت و جهاد را مبنای تفکر کلان خود معرفی می‌کنند (Islamic State (ISIS) Magazine, 2014, Dabiq - Issue). به همین دلیل است که با اهمیت قائل شدن به بحث هجرت، تبلیغات خود را بر این موضوع متمرکز کرده و از مخاطبان خود می‌خواهند از آنجا که شام، اولویت محوری در تأسیس خلافت دارد به این منطقه مهاجرت کنند و در این زمینه یکی از شماره‌های نشریه اختصاصی خود به نام دابق^۱ را به این مهم اختصاص داده‌اند

^۱-گفتنی است که دابق، نام یکی از شهرها در شمال سوریه است که محل جنگ سلطان سلیم اول پادشاه عثمانی با حکومت‌های مملوکی در سال ۱۵۱۶ میلادی بوده است. این نبرد باعث پیروزی عثمانی و فتح حلب و تصرف

(شماره ۴). به نظر می‌رسد که آن‌ها نیز همانند صهیونیست‌ها به دنبال جمعیت‌سازی و گرد هم آوردن نیروهای هم فکر با خود از سراسر جهان هستند. در این زمینه، مهاجرت سیستماتیک و گسترده یهودیان به فلسطین اشغالی بی‌نیاز از ذکر مجدد است.

ب - خود برترینی: یکی دیگر از موارد اشتراک اندیشه‌ای داعش و رژیم صهیونیستی تفکر نژادپرستانه و خود برترینی آن‌هاست به طوری که اعتقاد راسخ دینی صهیونیست‌ها به برگزیده بودن نژاد یهود در دنیا، سنگ بنای تعصبات نژادی و عامل اصلی انزوای آن‌ها از دیگر مردمان است. اعتقاد به برتری نژادی قوم یهود در جای جای پروتکل‌های آنان به چشم می‌خورد. مثلاً در پروتکل ۱۵ آمده است: «میان قوم ما و غیر یهودیان تفاوت‌های قابل توجهی از لحاظ استعدادها و توانایی‌ها وجود دارد و همین امر موجب شده است که قوم برگزیده ما از بالاترین میزان انسانیت برخوردار باشد و از غیر یهودیان متمایز گردد». بر اساس اعتقادات یهودیان، تنها راه هدایت الهی و نجات و رستگاری این است که انسان یهودی باشد. یهودیان بر این عقیده‌اند که تمام دنیا به آن‌ها تعلق دارد و نه مردمان دیگر. شاهد این مدعا سخنان خاخام «ریچران» است. او در سخنرانی خود که در سال ۱۸۶۹ میلادی در شهر پراگ و در کنار قبر «سیمون بن یهودا» ایراد کرد، چنین می‌گوید: اگر ما یهودی‌ها در دنیا پراکنده شده‌ایم به این جهت است که دنیا تماماً از آن یهود است (حسینی، ۱۳۸۶).

در همین حال، داعش نیز به عنوان یک گروه تکفیری با محدود کردن دایره اسلام به پیروان اندیشه خود تنها آنان را نماینده اسلام حقیقی می‌داند و دیگران را مشرک قلمداد می‌کند. داعش مدعی است که تنها راه نجات و رستگاری بشر، تبعیت انسان‌ها از خلافت

دمشق و پیشروی آن‌ها به سمت مصر شد در نهایت موجب گسترده شدن دامنه خلافت عثمانی گردید (www.aljazeera.net, 15 July 2014). طبق برخی احادیث، بین مسلمانان و غیر مسلمانان نبردی در آخرالزمان در این ناحیه رخ می‌دهد که به پیروزی نیروهای الهی بر دجال و رومی‌ها منجر می‌گردد (http://arabic.cnn.com, 14 October 2014).

این گروه است. به عنوان مثال در مجله شماره ۲ دابق صفحه ۱۱ با عنوان *The Flood* آمده است که بسیاری از گویندگان «لا اله الا الله» مشرک‌اند که از جمله مصادیق شرک آن‌ها، دعا و توسل است.

ج - در حاشیه قرار دادن مسئله فلسطین: نکته دیگری که در زمینه اشتراک فکری آن‌ها قابل اشاره است، تلاش برای در حاشیه قرار دادن مسئله فلسطین هرچند با توسل به بهانه‌های مختلف است. مثلاً در اندیشه داعش درباره فلسطین می‌توان به استناد آن‌ها به سیره سلف و اقامه دلیل و برهان شرعی برای این‌که فلسطین در اولویت فعالیت آن‌ها نیست، اشاره کرد. آن‌ها به بسط خلافت مد نظر خود اولویت می‌دهند و آزادی فلسطین را در مرحله پس از ایجاد خلافت در شام و سپس مکه و مدینه می‌دانند (جلد دوم نشریه دابق صفحات ۳ و ۴). این اندیشه در عمل نیز تسری یافته است که مصادیقی برای آن نیز می‌توان یافت. در همین راستا می‌توان گفت که موضع داعش در جنگ سوم غزه، سکوت طولانی مدت و سپس موضع‌گیری علنی درباره آن بود. بر اساس اعلامیه‌ها و فیلم‌های منسوب به داعش، این جریان تروریستی اعلام کرده است که اولویت آن، جنگ در عراق و شام است زیرا بر اساس آیات قرآن، دشمن نزدیک یعنی منافقان در اولویت مبارزه قرار دارند. آنان بر عملکرد ابوبکر استناد می‌کنند که به مبارزه با مرتدین به جای فتح قدس اولویت داد. در دیدگاه آنان سیره صلاح‌الدین ایوبی، مؤسس دولت ایوبیان در مصر و شام و نورالدین زنگی، از حاکمان ترک حکومت زنگیان، درباره مبارزه با شیعیان در مصر و شام قبل از قدس، نمونه خوبی به شمار می‌رود. گفتنی است صلاح‌الدین قبل از ورود به قدس، بیش از ۵۰ جنگ با شیعیان انجام داد. در آن هنگام از او پرسیدند که چرا اشغالگران رومی صلیبی قدس را به حال خود گذاشته‌ای و با این حال با شیعیان مصر می‌جنگی؟ او در پاسخ گفت که از این رو با رومی‌ها نمی‌جنگم که شیعیان از پشت، قدرت مقابله با من را دارند. آن‌ها ادعا می‌کنند تا زمانی که خانواده‌هایی خاص و حاکمان کافر بر جامعه اسلامی حکومت می‌کنند، قدس آزاد نخواهد شد. علاوه بر این آنان استدلال می‌کنند که

خداوند در کتاب خود به ما برای مبارزه با اسرائیل دستور نداده است (ammonnews.net, 7 October 2014). از جمله مصادیق عملی این امر، موضوع لگدمال کردن پرچم فلسطین (alalam.ir, 23 July 2014) و ممانعت از برگزاری روز قدس (تارنمای فرارو، ۲ مرداد ۱۳۹۳) است.

د- تفرقه افکنی: صهیونیسم بر اساس مبانی اعتقادی خود و بر اساس نگرشی که به جهان و انسان دارد. بایدها و نبایدهایی را در تبلیغات خویش اعمال می‌کند، تفرقه افکنی و ایجاد جنگ و خونریزی بین کشورها یکی از اصول مسلم تبلیغی صهیونیسم است. از نظر آنان باید بین کشورها تفرقه ایجاد کرد و آنان را به جنگ و اختلاف کشاند تا قدرتشان از بین برود. از جمله اموری که رهبران صهیونیسم برای برهم زدن اوضاع کشورهای دیگر به ویژه کشورهای اسلامی برای نابود ساختن نظام‌های سیاسی آنان در نظر گرفته‌اند، ایجاد بی‌نظمی و اختلال در انسجام میان مردم آن کشورها است. صهیونیست‌ها بر این باورند که باید در بین غیر یهودیان بی‌نظمی ایجاد کرد. در بخشی از پروتکل‌های رهبران یهود آمده است: «ما وظیفه داریم که گویم (غیریهودیان) را در جایگاه آموزشی قرار دهیم که در آن تمامی مبانی و قواعد و اصولی که نظام و بنیاد اجتماعی آن‌ها را نابود می‌کنند فرا گیرند؛ اما زمانی که ما خود زمام حکومت و قدرت را به دست گرفتیم، کلیه موادی که ممکن است افکار جوانان را دگرگون و بی‌تاب کند از برنامه‌های آموزشی حذف می‌کنیم و جوانان را طوری به بار خواهیم آورد که فرمان‌بردار حکومت باشند» (عجاج نویهض، ۱۳۷۳، ص ۳۳۸).

داعش نیز تلاش می‌کند با برجسته کردن جنایات خود علیه شیعیان همانند کشتار آنان و انفجار و انهدام اماکن مقدس آنان، هم‌زمان با معرفی خود به عنوان به اصطلاح ناجی اهل سنت، سیاست تفرقه افکنی در جهان اسلام مانع ایجاد یک جبهه واحد اسلامی علیه خود شود. حال آن‌که جنایات داعش موجب انزجار اهل سنت در جهان اسلام نیز شده است.

اهداف مشترک داعش و رژیم صهیونیستی

پس از شروع بیداری اسلامی در پی احساس خطر رژیم صهیونیستی از اتحاد گروه‌های جهادی علیه خود، این رژیم راهبرد جدیدی را اجرا کرد که مبتنی بر خوانش جدیدی از راهبرد «شکاف در پیرامون» بود. دلیل انتخاب این راهبرد از جانب صهیونیست‌ها، جهت‌گیری انقلاب‌های منطقه و اتحاد در ضدیت و دشمنی با اسرائیل بود و این رژیم باید برای جلوگیری از این اتفاق سیاست شکاف در پیرامون خود را اعمال کند.

در همین حال گروه‌های تروریستی نظیر داعش که دست‌نشانده آمریکا بوده‌اند، بیداری اسلامی و حرکت مردمی به سوی اسلام حقیقی را مغایر با اهداف خود می‌دانند و لذا محور برنامه‌های خود را مقابله با آن قرار داده‌اند، چنان‌که از برخی مسلمانان به عنوان کفاری سخن گفته‌اند که خونشان حلال است. در این میان اهداف و اقدامات قابل تأمل و مشابه بین صهیونیست‌ها و داعش می‌توان مشاهده کرد از جمله:

الف- کشتار مسلمانان و هدر دادن قوای جهان اسلام: به طوری که در جنگ‌های رژیم صهیونیستی و اعراب و تجاوزهای گاه و بیگاه صهیونیست‌ها به امت اسلامی، مانع رشد و بالندگی کشورهای اسلامی می‌شوند؛ مثلاً با به کارگیری راهبرد ضاحیه زیرساخت‌های لبنان و غزه توسط صهیونیست‌ها نابود شدند. در همین حال گروه‌های تکفیری نظیر داعش تمام زیرساخت‌های اقتصادی سوریه و عراق را هدف گرفته‌اند.

ب- تخریب جهانی چهره اسلام و زمینه‌سازی برای توجیه اسلام‌ستیزی در جوامع غربی از سوی صهیونیست‌ها: صهیونیست‌ها با تروریست جلوه دادن مقاومت اسلامی، سهم شایانی را در این مسیر به خود اختصاص داده‌اند. اقدامات داعش نیز باعث تأیید ادعاهای صهیونیست‌ها و اسلام‌هراسی در جهان می‌شود.

ج- تضعیف ارتش‌های کشورهای منطقه با محوریت حفظ برتری نظامی رژیم صهیونیستی: به واسطه تحرکات داعش و حمایت‌های صهیونیست‌ها و غرب از آن‌ها

ارتش‌های برخی از کشورهای اسلامی درگیر جنگ‌های فرسایشی هستند که نمونه آن در عراق و سوریه قابل مشاهده است.

د- تضعیف جریان مقاومت: نمونه آن را در لبنان و سوریه و پیوند داعش با صهیونیست‌ها علیه جبهه مقاومت می‌توان مشاهده کرد.

ه- تخریب جایگاه حزب‌الله در منطقه به ویژه افکار عمومی اهل سنت: به طوری که گروه‌های تروریستی وابسته به داعش در لبنان، حزب‌الله را عامل جنایات خود معرفی می‌کنند و این خط رسانه‌ای از سوی صهیونیست‌ها نیز ترویج می‌شود.

و- زمینه‌سازی برای بازگشت نظامیان آمریکایی به منطقه: نیروهای غربی در منطقه نقش حافظ امنیت صهیونیست‌ها و تروریست‌ها را دارند. چنان‌که آمریکا از حامیان همیشگی رژیم صهیونیستی است و در یک سال اخیر هم که ائتلاف ضد داعش به رهبری آمریکا ایجاد شده، آمریکا بارها برای این گروه‌ها در سوریه و عراق سلاح ارسال کرده است.

ز- مهار جمهوری اسلامی ایران و ارزش‌های انقلابی آن در منطقه: گروه تکفیری تروریست داعش اقداماتی که انجام می‌دهد در نهایت چنین هدفی را دنبال می‌کند و هم سیاست‌های رژیم صهیونیستی مؤید چنین امری است.

ح- به انحراف کشاندن جریان بیداری اسلامی از مسیر حمایت از فلسطین به درگیری‌های درون جهان اسلام: داعش نگاه حمایتی به فلسطین ندارد چنان‌که در سال ۱۳۹۳ داعش به طور رسمی شرکت در راهپیمایی روز قدس را حرام اعلام کرد.

ط- اجرای پروژه تجزیه منطقه در دو قالب قومی (تجزیه مناطق کردنشین) و دینی (شیعه و سنی و پیروان سایر ادیان) در قالب سبیس پیکوهای جدید.

ی- تبدیل منطقه به زمین سوخته برای بازگشت نئواستعمار به منطقه در لوای بازسازی ک- تضعیف و حذف فرهنگ اسلام ناب محمدی (ص) از طریق ویران‌سازی آثار اسلامی و تاریخی منطقه و هویت‌سازی جعلی داعش و صهیونیست‌ها که در این کار سیاستی آشکار دارند. رژیم صهیونیستی در دوران حیات نامشروع خود، ده‌ها اماکن مقدس را در

فلسطین نابود کرد و در حال حاضر طرح‌هایی برای تخریب مسجدالاقصی دنبال می‌کند. داعش نیز ده‌ها مرکز مقدس اسلامی را به بهانه‌های واهی تخریب کرده است.

روش‌های مشترک داعش و رژیم صهیونیستی

سران داعش برای رسیدن به مقصود خویش تمام راه‌های غیر مشروع را پیشنهاد می‌کنند و دلیل و شاهد تاریخی می‌آورند. ولی هیچ دلیل موجهی برای مشروع بودن عقاید و اندرزهای خود ندارند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳، صص ۱۷-۱۶). صهیونیست‌ها نیز از یک سو هر ابزاری را برای رسیدن به مقصود مجاز می‌دانند. در پروتکل صهیونیسم نیز به کرات به این امر تأکید شده است که آنان حق دارند برای رسیدن به مقصود و سود بیشتر از هر ابزاری حتی کشتار دو سوم جهانیان بهره‌گیرند (عجاج نویهض، ۱۳۷۳، ص ۳۲۵).

الف- بهره‌گیری از ترور: مهم‌ترین مشابهت در روش‌های داعش و رژیم صهیونیستی، استفاده رسمی از ابزار ترور است. در واقع تروریسم دولتی و رسمی وجه اشتراک رفتارهای دو طرف محسوب می‌شود. از سوی دیگر صهیونیست‌ها همواره از ماهیت یهودی سرزمین فلسطین و حاکمیت بنی‌اسرائیل بر این سرزمین سخن می‌گویند و تلاش دارند تا سلطه خود را بر فلسطین مشروع جلوه دهند و در این راه، حقایق تاریخی جایگاه اسلام و مسلمانان در فلسطین را پنهان می‌سازند. نکته قابل توجه آن‌که صهیونیست‌ها در حوزه تحریف تاریخ از واژه کشور یهود استفاده می‌کنند تا مشروعیت تاریخی برای خود جعل نماید و داعش از واژه خلافت اسلامی یا دولت اسلامی سخن می‌گوید تا مشروعیت تاریخی برای خود ایجاد کند.

ب- منابع مالی: منابع مالی داعش از طریق غارت اموال مردم و بانک‌ها، گرفتن مالیات، تولید و فروش مواد مخدر، فروش اشیا عتیقه، آدم‌ربایی و خرید و فروش برده، قاچاق انسان و اعضای بدن او، فروش نفت با تسلط بر منابع نفتی عراق و سوریه روزانه به میزان ۹۰ هزار بشکه در روز، حمایت مالی و اطلاعاتی گسترده کشورهای غربی و متحدان

عرب، ترکیه و رژیم صهیونیستی و... تأمین می‌شود (alalam.ir, 24 June 2014). کارنامه صهیونیست‌ها نیز نشان می‌دهد که آن‌ها نیز روش‌های مشابهی را در دستور کار داشته‌اند و دارند. به عنوان مثال، صهیونیست‌ها بزرگ‌ترین قاچاقچیان مواد مخدر، سلاح و انسان در جهان هستند. در این زمینه، شواهد عینی بسیاری وجود دارد؛ به طور نمونه، می‌توان به قاچاق کودکان اوکراینی به رژیم اسرائیل اشاره کرد (aljazeera.net, 4 December 2009). همچنین گزارش‌ها نشان می‌دهد که در جریان زلزله‌های هائیتی (روزنامه جام جم، ۸۸) و نپال در سال ۲۰۱۵، صهیونیست‌ها در لوای امدادرسانی، ضمن قاچاق کودکان زلزله‌زده به سرزمین‌های اشغالی، قاچاق اعضای بدن انسان را نیز انجام داده‌اند (alwatanvoice.com, 29 April 2014). در همین حال رژیم صهیونیستی در صدر قاچاق زنان و استفاده از آنان به عنوان برده جنسی قرار دارد (almaalomah.com, 21 June 2015).

ج- خشونت فزاینده: داعش با تأثیرپذیری فراوان از حزب بعث عراق که معتقد به خشونت فوق‌العاده بود، سیاست «النصر بالرعب» را سرلوحه خود قرار داده است. در تفکر صهیونیسم نیز خشونت و سرکوبگری از اصول و ارکان اولیه است که نمود عینی آن در کشتار دیر یاسین، کفر شوبا، جنین، صبرا و شتیلا، سه جنگ غزه و... می‌توان مشاهده کرد. همچنین از ابتدای انتفاضه دوم (از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵) ۸۵۰ هزار فلسطینی از جمله ۱۳ هزار نوجوان زیر ۱۸ سال به دست رژیم صهیونیستی بازداشت شده‌اند (alwatanvoice.com, 18 April 2015).

بررسی روش‌های رفتاری رژیم صهیونیستی و گروه‌های تروریستی نشانگر ابعاد مشابه بسیاری است که همسانی و پیوند آنان را آشکارتر می‌سازد. به عنوان نمونه، صهیونیست‌ها پیش از ۱۹۴۸ برای حذف آنانی که از اجرای دستورات سر باز می‌زدند از گروه‌های تروریستی همچون هاگانا، ایرگون، اشترن و... برای کشتار ساکنان فلسطین، غارت اموال و دارایی‌های آنان و تسویه حساب‌های درونی، بهره می‌گرفتند. رژیم صهیونیستی برای اتحاد با گروه‌های تروریستی و بهره‌برداری از آن‌ها همواره تلاش کرده است؛ در این راستا

می‌توان به تلاش رژیم صهیونیستی برای اتحاد با تروریست‌های «فالانژیست» لبنان و تشکیل کشور «لبنان جنوبی» و تجزیه لبنان به سرکردگی مزدوران مسیحی مارونی لبنان، افسران نظامی سعد حداد و آنتوان لحد در سال ۱۹۷۸ میلادی اشاره کرد. اکنون نیز گروه‌های تروریستی از جمله داعش با ایجاد ساختارهای متعدد ضمن اشغالگری و غارت دارایی و اموال ساکنان مناطقی که به آن‌ها وارد می‌شوند، افرادی از درون خود را که از اجرای دستورات سرپیچی می‌کنند، حذف می‌نمایند. ضمن این‌که داعش با برخی از گروه‌های تکفیری- تروریستی در اقصی نقاط جهان نظیر بوکوحرام که تعداد آن‌ها به ۳۰ گروه می‌رسد، بیعت کرده است.

د- تاکتیک‌های تبلیغاتی: روش‌های تبلیغاتی داعش و رژیم صهیونیستی نیز دارای مشابهت‌های فراوانی است. روش تبلیغاتی داعش، دارای محورهای متعددی است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از تأکید بر تشکیل خلافت اسلامی از طریق سرنگون کردن حاکمان در بلاد اسلامی، تأکید بر از میان بردن مرزها میان دولت‌های اسلامی به منظور ایجاد یک قلمرو گسترده برای جهان اسلام که مسلمانان آزادانه در آن با یکدیگر ارتباط خواهند داشت، ادعای این‌که سرزمین خلافت اسلامی، محلی ایده‌آل برای همه مسلمانان است و تنها حکومت مشروع در جهان است. توسعه و گسترش تفکرات تکفیری میان کودکان و نوجوانان و آموزش نظامی آنان، معرفی تحرکات خود به عنوان قیام آخرالزمان، فعالیت گسترده و آزادانه در شبکه‌های اجتماعی، پخش مستقیم فیلم از عملیات‌ها برای نمایش قدرت و جذب بیشتر نیرو و... (تارنمای مشرق نیوز، ۱۳۹۳).

مشابه داعش، صهیونیست‌ها نیز با تکیه بر اصول و ادعاهای دینی به توجیه رفتارهای خود می‌پردازند چنان‌که آنان خود را کشور یهود می‌دانند که محلی امن برای تمام یهودیان جهان است. مباحث آموزشی برای کودکان نیز در قالب امور دینی و ارزش‌های صهیونیست است که با تدریس تلمود در مدارس این رژیم اجرا می‌شود. آن‌ها فلسطین را سرزمین موعود و خود را تنها ساکنان زمین می‌دانند که در نهایت بر زمین حاکم خواهند

شد. رسانه‌ها از اولویت‌های صهیونیست‌ها است، چنان‌که تئودور هرتزل در زمان بنیان‌گذاری مکتب صهیونیسم بر لزوم سلطه صهیونیست‌ها بر افکار عمومی جهان تأکید و رسانه را ابزاری قدرتمند برای رسیدن به اهداف خویش عنوان نمود (تارنمای راسخون، ۱۳۹۲). به طوری که به جرأت می‌توان گفت تاکنون هیچ ساختار تروریستی به اندازه رژیم صهیونیستی و داعش نتوانسته از ابزار رسانه و شبکه‌های اجتماعی در راستای اهداف نامشروع خود استفاده کند.

ه- حذف جمعیت بومی اصلی: راهبرد صهیونیست‌ها برای سلطه بر فلسطین بر محوریت حذف جمعیت عربی و ایجاد جمعیت جایگزین استوار بود. این پروژه دو بُعد دارد. اسرائیل در سرزمین فلسطین نسل‌کشی کرد و فلسطینیان را اخراج کرد که نمود آن را می‌توان در جنین، دیرپاسین و ده‌ها نقطه دیگر فلسطین مشاهده کرد. نکته مهم در آن جنایات، آن بود که صهیونیست‌ها از طریق شبکه‌های رسانه‌ای و تلویزیون‌های خود و کشورهای غربی، آشکارا به انتشار تصاویر آن کشتارها می‌پرداخت. هدف از این کار ایجاد فضای رعب و وحشت میان فلسطینیان و کوچ اجباری آنان بود. صهیونیست‌ها برای کسب سرزمین بیشتر و تشدید فضای وحشت در جهان، کشورهای منطقه از جمله مصر، لبنان، سوریه، اردن و... را نیز مورد هجوم قرار دادند. هم‌زمان با این اقدامات، فاز دوم تحرکات اشغال‌گرایانه صهیونیست‌ها اجرا می‌شد و آن بهره‌گیری از آژانس یهود و کشورهای غربی برای انتقال یهودیان سراسر جهان با هدف جمعیت‌سازی برای رژیم صهیونیستی در اراضی اشغالی بود. اخراج و کشتار فلسطینی‌ها در حالی صورت می‌گیرد که بیشترین امکانات برای یهودیانی که به سرزمین‌های اشغالی کوچ کرده‌اند، در نظر گرفته می‌شود. نکته جالب توجه آن‌که برجسته‌سازی نام سرزمین‌های اشغالی به عنوان مرکزی رفاهی و سراسر عیش و خوش‌گذرانی از ابعاد راهبردی صهیونیست‌ها است. محور آن را نیز تشویق زنان و حتی قاچاق زنان به اراضی اشغالی برای جذب گردشگر و حتی اسقرار ساکنان اجاره‌ای در

سرزمین‌های اشغالی تشکیل می‌داد. مجموع این اقدامات و رفتارهای توسعه طلبانه در قالب این شعار توجیه می‌شد: سرزمینی بدون ملت برای ملتی بدون سرزمین. رفتارهای داعش در عراق و سوریه نسخه‌ای از همین رفتارها است. کشتار گسترده مسلمانان مخالف عقاید داعش و نیز کشتار اقلیت‌های مذهبی و قومی و به نمایش گذاشتن آن از طریق رسانه‌ها، فرار ساکنان اصلی شهرها به دلیل رعب و وحشت و انتقال جنگجویان و مزدوران افراطی از سایر کشورها و نقاط جهان در این رابطه قابل ذکر است. ایجاد جاذبه‌های پیوستن به داعش و کوچ به سرزمین‌های مورد نظر آنان با عناوینی همچون جهاد نکاح که در اصل اجرای همان پروژه صهیونیستی بهره‌کشی ابزاری از زنان برای جذب نیرو و در نهایت جمعیت‌سازی از طریق آنان است. نکته مهم در عملکرد داعش آن‌که آن‌ها ابتدا تمام آثار تمدنی را در شهرها و مناطق تحت اشغال نابود یا قاچاق می‌کنند و با سیاست‌های خاصی عملاً موجب فرار ساکنان اصلی مناطق اشغال شده به ویژه اقلیت‌های نژادی و دینی می‌شوند. صهیونیست‌ها با نام یهود این کار را انجام دادند و داعش با ادعای اسلام به این جنایات دست می‌زند. هم‌چنین حذف و نابودی آثار تاریخی و دینی برای فرهنگ‌زدایی از راهبردهای مشترک صهیونیست‌ها و داعش است.

سناریوهای فراروی تعاملات مشترک داعش و رژیم صهیونیستی

چه احتمالاتی در باب تعاملات دوجانبه و مشترک میان داعش و رژیم صهیونیستی وجود دارد؟ آیا مبانی، اهداف و روش‌های مشترک میان این دو، موجب خواهد شد تا روابطی راهبردی مبتنی بر همکاری و تعامل نزدیک میان آنان برقرار شود؟ و یا این‌که اختلافات و یا فزونی خواهی آنان سبب دست‌اندازی به حوزه نفوذ یکدیگر می‌شود و سرانجام درگیری و کشمکش جایگزین همکاری و تعامل خواهد شد؟ آیا سناریوی سومی در کار است؟ و آن این‌که اتحاد طبیعی فعلی برای دراز مدت ادامه یابد.

الف- سناریوی همکاری و تعامل: این سناریو مبتنی بر این پیش فرض است که داعش در توسعه و پیش روی ارضی، توفیقات جدید و جدی به دست آورده است و به ویژه می تواند در سوریه بر دمشق و شهرهای اصلی حاکم شود و حکومت قانونی بشار اسد را ساقط نماید. چنین وضعیتی به معنای توسعه قدرت و نفوذ گروه تروریستی داعش محسوب می شود و بدین ترتیب در مرزهای جولان با فلسطین اشغالی همسایه خواهد شد. در آن صورت رابطه این دو همسایه چگونه خواهد بود؟ طبیعتاً داعشی ها با ارائه تفسیری مبتنی بر این که باید فعلاً جنگ با دشمن نزدیک یعنی شیعیان و سنی های مخالف داعش را در اولویت قرار داد، هرگونه درگیری و کشمکش با اسرائیلی ها را از دستور کار خود خارج خواهند کرد. چرا که در غیر این صورت با واکنش گسترده و هدفمندانه آمریکا و قطع حمایت از جانب ترکیه و عربستان سعودی مواجه خواهند شد. پس در این شرایط سناریوی همکاری و تعامل دوجانبه و نزدیک میان داعش و رژیم صهیونیستی منطقی به نظر می رسد. هرچند که با توجه به حمایت های مردمی از نظام بشار اسد و حمایت های محور مقاومت، رسیدن به این نقطه بعید به نظر می رسد؛ اما می تواند به عنوان یکی از سناریوها و احتمالات در تجزیه و تحلیل ها مورد محاسبه قرار گیرد.

یکی از نتایج این سناریو، احتمالاً تقویت قدرت کردها در عراق و سوریه است. اگر شرایط میدانی سوریه و عراق را در بازه زمانی (بهار ۱۳۹۵) ملاحظه کنیم، شاهد پیش روی دائمی کردها در مقابل داعشی ها در شمال سوریه با همکاری نیروی هوایی آمریکا هستیم. کردها از یک سو با آمریکایی ها ارتباط نسبتاً خوبی دارند. از سوی دیگر نفوذ اسرائیلی ها در کردستان غیر قابل انکار است و روابطی مبتنی بر رفاقت و دوستی را در کارنامه دارند. به نظر می رسد کردها در آزادسازی دیگر مناطق کردنشین با همکاری آمریکا توفیقات روزافزونی داشته باشند و این در حالی است که داعش در دیگر جبهه ها و علیه نیروهای بشار اسد از حمایت های آشکار و پنهان آمریکا، ترکیه و عربستان

سعودی برخوردار است. در نتیجه بر اساس این سناریو احتمال تشکیل کردستانی متشکل از دو منطقه کردنشین عراق و سوریه با هدف ایجاد یک کانون بحران جدید در کنار مرزهای ایران و ترکیه زیاد است.

یکی از تاکتیک‌های مورد نظر اسرائیل شبیه‌سازی در منطقه است به گونه‌ای که با ایجاد ساختارهای مشابه خود (ساختاری اشغالگر)، خود را از انزوای منطقه‌ای به عنوان رژیم اشغالگر خارج سازد. به عنوان نمونه جنوب لبنان در سال ۱۹۷۸ در این راستا اشغال شد. اسرائیل در آن زمان بر آن بود تا با توجه به فالانژیست‌های لبنان و تجزیه لبنان به سرکردگی مزدوران مسیحی مارونی، افسران نظامی سعد حداد و آنتوان لحد، کشوری مسیحی ایجاد نماید تا با شبیه‌سازی مدلی از خود (اسرائیلی‌ها خود را کشور یهودی می‌نامند) ضمن کسب مشروعیت، از انزوای منطقه‌ای خارج گردد. این طرح با تشکیل هسته‌های مقاومت حزب‌الله شکست خورد و به نتیجه دلخواه آن‌ها منجر نشد.

اکنون رفتارهای داعش در منطقه که داعیه‌دار مطالبات دینانی هستند، بُعد جدیدی از اجرای این پروژه است که هدف آن تجزیه کشورهای منطقه و ایجاد ساختاری جدید است تا اسرائیل با بهره‌گیری از آن، طرح خود برای پایان دادن به انزوای منطقه‌ای‌اش را محقق سازد. نکته دیگری که در سناریوی همکاری و تعامل میان رژیم صهیونیستی و داعش می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، طرح‌هایی است که از سوی رژیم اسرائیل و آمریکا برای سلطه بر منابع انرژی منطقه اجرا می‌گردد. به عنوان نمونه طرح خاورمیانه بزرگ جورج بوش پسر، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا که در سال ۲۰۰۰ ارائه شد و طرح خاورمیانه جدید شیمون پرز، رئیس‌جمهور پیشین رژیم صهیونیستی در دهه ۱۹۹۰، در همین چارچوب بوده که همواره با بهره‌گیری از گروه‌های تروریستی و تکفیری پیگیری شده است.

ب- سناریوی درگیری و کشمکش: آیا گروه‌ها و رژیم‌های متجاوز، خود را مقید به مراعات سقفی از اهداف می‌کنند؟ به بیان دیگر آیا توسعه‌طلبی‌ها و زیاده‌خواهی‌های آنان حد و مرزی می‌شناسد؟ شواهد تاریخی خلاف این امر را بازگو می‌کند. آلمان نازی با وجود پیمان عدم تجاوز با روسیه پس از تصرفات خویش در اروپا رو به جانب روسیه کرد که همان عامل شکست ارتش هیتلر شد. رژیم صهیونیستی نیز با وجود پیروزی‌های بزرگ و اولیه در جنگ‌های ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ و حتی پیش‌روی سریع و بزرگ در لبنان در سال ۱۹۸۲، اما در سال ۲۰۰۰ مجبور به فرار از جنوب لبنان شد. داعش نیز سوریه و عراق را عرصه تاخت و تاز خویش قرار داده و در لبنان و اردن نیز نفوذ و طراحی‌های عملیاتی خود را آغاز کرده است. این گروه چندین عملیات انتحاری در عربستان سعودی، فرانسه، بلژیک، ترکیه و ... را نیز بر عهده گرفته است. با این توضیحات و بر اساس سناریوی «درگیری و کشمکش» به نظر می‌رسد در صورت سقوط حکومت قانونی بشار اسد و سلطه داعش بر کشور سوریه و مرزهای قنيطرة و جولان، احتمالاً درگیری‌ها و زد و خوردهایی میان آنان (داعش و رژیم صهیونیستی) به وجود آید. حال این‌که این درگیری‌ها از چه حجم و گستره‌ای برخوردار باشد به مشکلات داعش در کنترل و مدیریت سوریه و عزم و اراده و توان این گروه بر تمرکز کردن درگیری‌ها بر رژیم صهیونیستی بستگی دارد. البته از آنجایی که داعش محصول سرویس‌های امنیتی آمریکا، رژیم صهیونیستی و انگلیس با استفاده از برخی خلأها و سرخوردگی‌های اجتماعی و سیاسی در جهان اسلام است، بعید به نظر می‌رسد که گامی علیه رژیم صهیونیستی بردارد.

ج- سناریوی تداوم اتحاد طبیعی: اتحادهای طبیعی زمانی به وجود می‌آید که دو یا چند دولت در یک منطقه خاص دارای منافع مشترکی باشند. ولی به علت آن‌که خواست‌ها و منافع یکی از طریق دیگری تأمین می‌شود، آن دولت ضرورتی نمی‌بیند که

خود را از لحاظ نظامی و اقتصادی به دیگری متعهد سازد (قوام، ۱۳۸۶، ۱۸۲). بر اساس این تعریف در حال حاضر بین داعش و رژیم صهیونیستی اتحادی طبیعی برقرار است، چرا که هر دو خواهان تضعیف شدید و حذف دولت‌های سوریه و عراق هستند. ضمن این‌که ایران و حزب الله نیز در این بحران هزینه‌هایی را متحمل شده‌اند. این کشورها که در حقیقت محور مقاومت محسوب می‌شوند در جبهه مخالف رژیم صهیونیستی هستند. علاوه بر این، آنان از نظر داعش، دشمن نزدیک (قریب) محسوب می‌شوند.

البته برخی از کارشناسان معتقدند که اتحاد میان داعش و رژیم صهیونیستی برقرار شده است. چرا که جنبش جهانی صهیونیسم به صورت مستقیم وارد کارزارها نمی‌شود بلکه با حمایت‌های پشت پرده و با نقاب جریان‌سازی‌های حاشیه‌ای، برای رسیدن به اهداف خود گام برمی‌دارد. این راهبرد از طریق سلطه بر ارکان سیاسی - اقتصادی و فرهنگی و نظامی آمریکا از کاخ سفید تا کنگره اجرا می‌گردد. بر این اساس جریان‌های تکفیری تروریستی از طریق سیستم هدایت از راه دور جنبش صهیونیسم و پیوند آن با رژیم صهیونیستی هدایت می‌شود که ارسال تسلیحات نظامی، کمک‌های مالی و امنیتی و مداوای تروریست‌ها در بیمارستان‌های اسرائیل در جولان اشغالی و مناطق مرزی سوریه، نمودی از آن است. علاوه بر داعش و رژیم صهیونیستی، کشورهای آمریکا، عربستان سعودی و ترکیه نیز به دلیل احساس نفع مشترک در اتحادی طبیعی به سر می‌برند. از همین رو در حالی که رژیم اسرائیل با هدف تطویل بحران سوریه و تضعیف بیشتر حکومت اسد، با مخالفان این حکومت (مانند جبهه‌النصره) همکاری می‌کند، ترکیه نیز با همین هدف همکاری‌های لجستیکی، اطلاعاتی و نظامی خود را نصیب این گروه‌ها کرده است.

به نظر می‌رسد در حالی که عربستان سعودی و ترکیه در پی ساقط نمودن هر چه سریع‌تر نظام بشار اسد هستند. تداوم درگیری و استمرار تخریب و کشتار در سوریه میان داعش و معارضان نظام بشار اسد، در مجموع به سود رژیم صهیونیستی خواهد بود. چرا که طی ۶-۷ دهه گذشته نظام سوریه همواره تهدیدی برای موجودیت و

سیاست‌های رژیم اسرائیل بوده است. همان‌گونه که صهیونیست‌ها چنین نگاهی را به ایران و حتی عراق دارد. در یک جمله، رژیم صهیونیستی خواهان حضور هیچ کشور قدرتمند عربی و اسلامی در منطقه خاورمیانه نیست چرا که چنین دولتی اگر با مشروعیت مردمی همراه باشد، قطعاً با اشغال‌گری و نژادپرستی اسرائیلی‌ها مخالفت خواهد کرد پس دولت‌های کوچک‌تر (تجزیه شده)، ضعیف‌تر و در حال جدال داخلی، همواره مطلوب آنان بوده است و در این راستا اقدامات و طراحی‌های بلند مدتی نیز دارند.

با توجه به حمایت برخی از کشورهای غربی و مرتجع عربی از داعشی‌ها در عراق و سوریه، امکان طولانی شدن حضور داعش در این کشورها وجود دارد و در واقع تطویل این بحران از خواسته‌ها و منافع رژیم اسرائیل است پس اتحادی طبیعی میان آنان در این زمینه وجود دارد. از آنجایی که داعش بیش از آن‌که بر نیروهای خودی، داخلی و مردمی تکیه داشته باشد بر ضعف و قوت حامیان خارجی‌اش متکی است پس توفیقات و شکست‌های این گروه تا حد زیادی قابل کنترل است. با توجه به این گزاره‌ها می‌توان گفت که آمریکا و رژیم صهیونیستی با تنظیم پیروزی‌ها و شکست‌های داعشی‌ها در حقیقت به طولانی شدن این بحران که هدف سیاست‌ها و اقدامات آنان است، کمک می‌کنند. پس به نظر می‌رسد در میان مدت (۱ تا ۳ سال آینده) سناریوی تداوم اتحاد طبیعی میان داعش و رژیم صهیونیستی برقرار خواهد بود.

لازم به ذکر است که رژیم صهیونیستی با دامن زدن به پدیده جریان‌های تکفیری و تروریستی در منطقه اهداف متعددی را دنبال می‌کند از جمله پنهان‌سازی و کم رنگ ساختن جنایات تروریسم دولتی خود در اراضی اشغالی فلسطین. رژیم صهیونیستی همچنین به دنبال رو در رو قرار دادن کشورهای اسلامی نظیر جنگ یمن، ایجاد جنگ داخلی در لبنان، سوریه و عراق است. در نهایت اسرائیل با ایجاد تفرقه میان مسلمانان از جمله فلسطینی‌ها هدف فراموش شدن مسئله اشغال فلسطین را دنبال می‌کند. در واقع رژیم صهیونیستی همواره از اصل ناآرام‌سازی منطقه برای ادامه حیات خود بهره گرفته

است.

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی کلی از آنچه در باب داعش و رژیم صهیونیستی ذکر شد، می‌توان گفت که هر دو بر اساس ابعاد ایدئولوژیک بنا نهاده شده‌اند؛ یکی بر اساس اسلام جعلی و دیگری بر اساس یهودیت جعلی. بدین ترتیب می‌توان گفت که همزادی‌های بسیاری میان این دو وجود دارد و عملاً تقابلی میان آن‌ها نیست که بخواهد به سایش آن‌ها منجر گردد بلکه بر عکس هر دوی آن‌ها برای هدفی واحد طراحی شده‌اند و آن فرسایش جبهه مقاومت و بیداری اسلامی در منطقه است. البته این تفاوت وجود دارد که داعش برای نظام سلطه تاریخ مصرف دارد. چنان‌که گروه‌هایی مانند القاعده به چنین سرنوشتی دچار شدند؛ اما رژیم صهیونیستی برای نظام سلطه دارای ماهیتی ثابت است و حتی بسیاری از بحران‌های منطقه و حتی تشکیل گروه‌هایی مانند داعش برای بقای این رژیم نامشروع بوده است. چنانچه هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه سابق اوباما، در کتاب خود با عنوان «گزینه‌های دشوار» رسماً اعلام می‌کند آمریکا داعش را برای منافع خود و تل‌آویو ایجاد کرده است. در همین حال آمریکا و کشورهای غربی با حمایت از داعش به دنبال اهدافی ویژه نیز بوده‌اند که تضعیف جمهوری اسلامی ایران در منطقه، درگیر شدن حزب‌الله در حاشیه‌ها و غفلت آن از مقابله با رژیم صهیونیستی از آن جمله است. تهدیدات پیش روی از قِبل داعش نیز می‌تواند شامل مواردی از جمله ارائه الگویی جعلی از اسلام سیاسی توسط داعش در مقابل اسلام ناب محمدی (ص)، تضعیف محور مقاومت، ایجاد حاشیه‌ای امن برای رژیم صهیونیستی، ایجاد ناامنی در مرزهای جمهوری اسلامی ایران و... باشد. به نظر می‌رسد از میان سناریوهای مطروحه، سناریوی تداوم اتحاد طبیعی در میان مدت، منافع دو طرف (داعش و رژیم صهیونیستی) را بهتر تأمین می‌کنند. چرا که آنان در حال حاضر از منافع و دشمن مشترک برخوردارند. ایدئولوژی،

اهداف، منافع، ابزارها و روش‌های مشترک آنان سبب شده است تا داعش و رژیم صهیونیستی به شیوه‌های گوناگون به تداوم حیات همدیگر کمک کنند.

منابع

- پلاسناتس. جان (۱۳۷۳). ایدئولوژی. ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.

- تری ای گلتن. (۱۳۸۱). درآمدی بر ایدئولوژی. ترجمه اکبر معصوم بیگی. تهران. آگه.

- حسینی. فخری. بررسی اجمالی مبانی و اصول تبلیغات صهیونیستی. مبلغان - شهرپور و مهر ۱۳۸۶. شماره ۹۵. قابل دسترسی در:

<http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View/2689/6591/76855>

- روزنامه جام جم. (۱۸ بهمن ۸۸). سرقت اعضای بدن زلزله‌زدگان هائیتی توسط اسرائیل. شماره ۲۷۶۵. صفحه ۶. قابل دسترسی در:

<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2028234>

- رنجبر شیرازی. مصطفی و حمزه نجاتی آرنانی و امیر فاطمی صدر (۱۳۹۳). چیستی، شاخصه‌ها و راه‌های مواجهه. جریان شناسی داعش. تهران: سخنوران.

- روزنامه جوان (۲۱ مرداد ۱۳۹۳). "آیا صهیونیست‌ها پروژه نیل تا فرات را به داعش سپرده‌اند؟". قابل دسترسی در:

<http://javanonline.ir/fa/print/664066>

- تارنمای العالم (۳ تیر ۱۳۹۳). "منابع مالی داعش از بودجه برخی کشورها بیشتر است". قابل دسترسی در:

<http://fa.alalam.ir/news/1605399>

- تارنمای خبری تحلیلی فرارو (۲ مرداد ۱۳۹۳). "داعش: شرکت در راهپیمایی روز قدس حرام است". قابل دسترسی در:

<http://fararu.com/fa/news/199866>

- سیلا. محمد (۱۳۸۰). «ایدئولوژی و مدرنیسم»، ترجمه عزیز الله افشار. تهران: چاپخش.

- سخترانی سعد الله زارعی. شصت و هفتمین نشست هم اندیشی مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی علمی ندا در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۹۳، قابل دسترسی در:

<http://nedains.com/fa/print/307728>

- عجاج نویهض. (۱۳۷۳). پروتکل‌های دانشوران صهیون. ترجمه حمید رضا شیخی. مشهد: آستان قدس رضوی.

-قوام. عبدالعلی. (۱۳۸۶). اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل. تهران: سمت.

- گارودی. روژه. (۱۳۶۹). پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی، ترجمه نسرين حکمی، ج ۲، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- صفا تاج. مجید. (۱۳۹۲). "نقش رسانه در تحقق پروتکل‌های یهود". قابل دسترسی در:

<http://rasekhoon.net/article/show/732519>

- تارنمای خبری تحلیلی مشرق نیوز. (۴ خرداد ۱۳۹۳). "روش‌های تبلیغاتی داعش". قابل دسترسی در:

<http://www.mashreghnews.ir/fa/news/320276>

- مصباح یزدی. محمد تقی (۱۳۶۱). ایدئولوژی تطبیقی. قم: مؤسسه در راه حق، ج ۱. شاهد... علم فلسطین تحت اقدام داعش الأربعاء ۲۳ یولیو ۲۰۱۴. قابل لتحقق به:

<http://www.alalam.ir/news/1614971>

- ما هو تنظيم «داعش»؟ مسيرته منذ الإنشاق عن «القاعدة» وحتى إعلان «دولة الخلافة» الخميس . ۲۴ یولیو/ تموز ۲۰۱۴، قابل لتحقق به:

<http://alhayat.com/Articles/2909987>

-دابق. (۲۰۱۴/۷/۱۵). أول صحيفة رسمية لتنظيم الدولة. قابل لتحقق به:

<http://www.aljazeera.net/home/print/f6451603-4dff-4ca1-9c10-122741d17432/fa018c18-52f0-4f49-a444-2a1c8eba1408>

- عمون (۲۰۱۴/۱۰/۷). داعش: الله لم يأمرنا بقتال إسرائيل. قابل لتحقق به:

<http://www.ammonnews.net/article.aspx?articleno=198903>

- الشرق الأوسط (۱۴ أكتوبر/تشرين الأول ۲۰۱۴). دابق مجله داعش اسم قرية سورية وردت في صحيح مسلم تشهد حرب "آخر الزمان" التي يقاتل فيها داعش ۸۰ راية قبل "فتح" اسطنبول ونزول المسيح، قابل لتحقق به:

<http://arabic.cnn.com/middleeast/2014/10/14/dabiq-syria-isis-islamic>

وجوه اشتراك رژيم صهيونيستي و داعش در مباني فكري، اهداف و اقدامات تروريستي * ٢١٥

-تنتياهو (٣١/أغسطس/٢٠١٤). أنهينا حرب "غزة" لأن "داعش" على أبواب الأردن الأحد -
مروة محمد، قابل لتحقق به:

<http://www.vetogate.com/1197386>

-دنيا الوطن (٢٩/٠٤/٢٠١٥). زلزال النيبال يكشف أسرار فضيحة أخلاقية "إسرائيلية" جديدة،
قابل لتحقق به:

<http://www.alwatanvoice.com/arabic/news/2015/04/29/706080.html>

- الجزيرة نت (٤/١٢/٢٠٠٩). أوكرانيون يتهمون إسرائيل بسرقة أطفال ١٢/١٦/١٤٣٠ هـ -
الموافق، قابل لتحقق به:

<http://www.aljazeera.net/home/print/f6451603-4dff-4ca1-9c10-122741d17432/848cde2b-71ad-4673-be1a-cb287f6e7fc3>

- عمون (٢١/٠٦/٢٠١٥). جمعية حقوقية: تركيا واسرائيل تمولان شبكات تجارة الرقيق في بغداد،
قابل لتحقق به:

<http://www.almaalomah.com/news/23866/>

- مدار (08 أيلول/سبتمبر ٢٠١٤). تجارة "الرقيق الابيض" تزدهر في اسرائيل من خلف "الحرب
المعلنة" على الظاهرة، قابل لتحقق به:

<http://www.madarcenter.org/=component&print=1&layout>

- العربي الجديد (٢٦/١/٢٠١٥). إسرائيل اعتقلت ١٣ ألف طفل فلسطيني منذ انتفاضة الأقصى، رام الله
- محمود السعدى. قابل لتحقق به:

<http://www.alaraby.co.uk/Print/3f9b540d-4039-45e8-a648-9a4779a0938d/1e545bca-2669-4b92-84ab-25f7610c7321>

-دنيا الوطن (١٨/٠٤/٢٠١٥). بالأرقام والتواريخ: الحركة الأسيرة قدمت ٨٥٠ ألف أسير
و٢٠٦ شهيد داخل السجون. قابل لتحقق به:

<http://www.alwatanvoice.com/arabic/content/print/700077.html>

- تسنيم (٩/١/٢٠١٥). نصر الله: التكفيريون أكبر تهديد للإسلام وأكثر من أساء الى الرسول والبحرين
تشهد مشروعا شبيهاً بالاستيطان الصهيوني. قابل لتحقق به:

<http://www.tasnimnews.com/arabic/Home/Single/613931>

-Islamic State (ISIS) Magazine:Dabiq - Issue 2,available at:

<http://media.clarionproject.org/files/09-2014/isis-isil-islamic-state-magazine-Issue-2-the-flood.pdf>

-Islamic State (ISIS) Magazine:Dabiq - Issue 4.available at:-

<http://media.clarionproject.org/files/islamic-state/islamic-state-isis-magazine-Issue-4-the-failed-crusade.pdf>